

رَبَاب

خاطرات بانو، زهرا حمیدی راوری

دختر، همسر و مادر شهید

نویسنده: بانو

شیرین توکلی زاد

زهرا شمس‌نژاد راوری



انتشارات حاج قاسم
وابسته به کنگره شهدای استان کرمان

مؤلف: هاشم قاسمی زاده راوری، شیرین ۱۳۴۴ - شمسی نژاد راوری، زهره ۱۳۵۷
عنوان: ربایب / خاطرات بانو، زهرا حمیدی راوری / دختر، همسر و مادر شهید /
شیرین توکلی زاده راوری، زهره شمسی نژاد راوری
مشخصات نشر: انتشارات شهید حاج قاسم سلیمانی کرمان
مشخصات چاپ: دومین بار، زمستان ۱۳۹۰
شابک: ۹۶۴-۷۳۳۹-۰۱-۶
وضعیت فهرست نویسی: ثبت شده
عنوان دیگر: خاطرات بانو، زهرا حمیدی راوری / دختر، همسر و مادر شهید
موضوع: حمیدی راوری، زهره ۱۳۵۷ - خاطرات
موضوع: شهیدان - بازماندگان - خاطرات
شناسه افزوده: شمسی نژاد راوری، زهره، ۱۳۵۷ -
رده بندی کنگره: ۶۲۲۹DSR
رده بندی دیویی: ۸۲۳۰۹۲۲/۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی: ۶۲۴۰۹۴۰

عنوان: ربایب / خاطرات بانو، زهرا حمیدی راوری / دختر، همسر و مادر شهید
نویسندگان: شیرین توکلی زاده راوری، زهره شمسی نژاد راوری

طراحی و صفحه آرایی: مؤسسه امید کویر

انتشارات: شهید حاج قاسم سلیمانی

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۲۴۰/۰۰۰ ریال

آدرس: کرمان خیابان مصلی، مرکز حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس سپاه ثارالله

تلفن: ۰۳۴-۳۲۷۱۷۷۱۱ پست الکترونیکی: hajghasem1334@gmail.com

فهرست مطالب

۹	یادداشت اول:
۱۱	یادداشت دوم:
۱۴	یادداشت ناشر
۱۶	سرداری که هیچ گاه از یادها نمی رود...
۱۷	بخش اول: جادوها
۱۷	روایت ها: یادگاری و نوشت تا بماند...
۱۹	فصل اول: خدمات سازه های دور
۲۹	فصل دوم: آغاز فصل برانگ
۴۷	فصل سوم: روزهای هجرت در دری
۵۹	فصل چهارم: روزهای مبارزه
۷۵	فصل پنجم: منزل آخر
۹۹	فصل ششم: وسعت تنهایی
۱۰۰	عروسی مریم
۱۰۱	سفر سوریه
۱۰۲	سفر کربلا
۱۰۳	سفر مکه
۱۰۵	به خاطر محسنه...
۱۰۷	دیدار امام خامنه ای (زید عزه)
۱۰۸	دیدار با سردار حاج قاسم سلیمانی
۱۱۷	حضور در همایش ها و کنگره ها
۱۲۱	بخش دوم: اسناد و عکس ها

یادداشت اول:

صفحات تاریخ اسلام، پر شده از نام شیر زنانی که با صبر و مقاومت و ایثار، اسلام را یاری نموده و نامشان در تاریخ جاودانه شده و الگوی زنان بعد از خود شده‌اند.

آنچه رب اسلامی ایران هم که ادامه دهنده راه نورانی اسلام و شریعت محمدی است؛ در تاریخ هشت سال دفاع مقدس و سال‌ها دفاع از حریم ولایت و امنیت، زمانی دارد که به تبعیت از بانوی دو عالم حضرت فاطمه و دخترش زینب کبری سرافراز شده‌اند. و الگویی برای نسل‌های بعد....

در این نوشتار برایتان از یکی از این بانوان می‌گویم.

بانویی از خطه کویر راور، فرسنگ‌ها از راه دور جبهه...

بانویی که شاید خیلی‌ها او را در برنامه‌ی بدون تعارف شناختند.

«زهرا حمیدی راوری» زنی صبور و مقاوم از خانواده‌ی متدین و انقلابی که، پدر، تنها پسر و همسرش را تقدیم اسلام کرد و خم به ابرو نیامد. و هم‌چنان، یاد و خاطره شهدا را زنده نگاه داشته است. چرا که پیرو محمد مصدق است و امامش فرموده: «زنده نگه داشتن یاد و نام شهدا کمتر از شهادت نیست». برای شروع کار و نوشتن خاطرات، به خانه‌اش رفتیم. بالبلخند هریسکی، به استقبالمان آمد. تکیه بر عصا، تا جلوی در خود را به سختی رساند. خانه تازه‌ساز و ساده بود. یک دست مبل راحتی و یک میز غذاخوری ساده که داروها و دواهای خانگی روی آن بود. دستگاه فشار خون و قند خون هم روی میز بود. نفسش به شماره افتاده بود. تا او لیوان آبی بخورد، عکس سه

شهیدش روی دیوار، مرا به خاطرات گذشته برد.

فامیل بودیم. تابستان ۱۳۵۲ خواهرم با آقای حیی «برادر شوهرش» ازدواج کرد و فامیل تر شدیم. آمد و شدها و مهمانی‌ها بیشتر شد. خنده‌ها و شوخی‌های محمود و کلی خاطرات دیگر، در یک لحظه از جلوی چشمانم عبور کرد.

سر صحبت باز شد. از خاطرات که می‌گفتم، با شنیدن هر خاطره، گل از گیس می‌شکفت و به دوران گذشته برمی‌گشت. به روزهایی که در کنار پدر، بسرو و ... شری بود.

او تقبلاً کرمه همکاری مثال زدنی‌اش در پاسخ به سوالات باعث شده بود گذر زمان را احساس نکنیم و خود را در روزگار گذشته و در کنار او ببینیم. پایان هر جلسه، به این می‌گفت: «با یادآوری خاطرات گذشته جوان شدم، خدا خیرتان دهد.»

یک بار که پرسیدیم: «چرا حسرتی دارید؟» گفت: «احساس شرمندگی... مگر من چه کرده‌ام؟ شهدا رفتند، ما را تا ابد شرمنده کردند.» و در حقیقت، ما شرمنده از حضرات معتر بانویی چنین استوار و متواضع...

درد دل‌ها، خاطره‌ها، سوال و جواب‌ها و رفت و آمد این شد کتابی که پیش رو دارید.

امیدواریم این تلاش مرضی خدا واقع شود و شفاعت شهیدان شامل حالمان گردد.

شیرین توکلی زاده راوری

تیرماه ۱۳۹۸